

روزنه

حزب اتحاد ملت در بیانیه‌ای مطرح کرد:

عدالت آموزشی در طول این سال‌ها فراموش شده است

● حزب اتحاد ملت به مناسبت روز کارگر و معلم بیانیه‌ای صادر کرده است. در این بیانیه آمده: «انقلابی اسلامی بنا بر رویکردهای آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه رهبری انقلاب و معلمان آن و علی‌الغالب مبارزان مخالف حکومت پهلوی نگاهی گشوده و توأم با همدلی و همراهی با طبقه کارگر داشته است و حضور آنان در اعتصابات کارگری در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷، این رویکرد دوطرفه را تأییدی مضاعف بخشید». در بخش دیگر از این بیانیه آمده: «نگاهی که کار شرافتمندانه را در حقوق اساسی مردم می‌دانست و برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازشنسنگی، بیگاری، پیری، ارکارافزادگی، بی‌سرپرستی، دررآم‌اندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره را حقی همگانی می‌دانست (اصل ۲۸ و ۲۹ قانون اساسی). قانون اساسی جمهوری اسلامی بر نقش و جایگاه بی‌بدیل کارگران – در معنای عام آن یعنی نیروی انسانی پیش‌برنده امور- و جایگاه تصمیم‌ساز آن در اداره کشور تأکید می‌کند». در بخش دیگر این بیانیه با اشاره به روز معلم آمده: «طی دولت‌های دهم و یازدهم و علی‌رغم همه امیدی که معلمان به تدبیر دولت برای حل معضلاتشان داشتند تحول اساسی را به چشم ندیدند، نه در عرصه مدیریت و نه در عرصه برنامه‌ریزی درسی نه‌تنها شاهد تحولات مثبتی نبودیم که برعکس در این دولت، بخش محتوایی آموزش عملا در اختیار جریان فکری مقابل دولت قرار گرفت، هرچند نباید از کنار تلاش‌های دولت در ساماندھی نیروی انسانی، تأمین منابع افزایش حقوق معلمان و مواردی مانند اینها، آن هم در سخت‌ترین شرایط اقتصادی به راحتی گذشت ولی انتظارات جامعه و معلمان از وزارت آموزش‌وپرورش همچنان فاصله زیادی با عملکرد انجام‌شده دارد». در ادامه آمده: «عدالت آموزشی در طول این سال‌ها به طور کامل فراموش شده است و دولت برخلاف اصل صی‌ام قانون اساسی که بر آموزش و پرورش رایگان تأکید دارد، اداره هزینه‌ای مدارس دولتی را تقریبا به طور کامل به مردم واگذار کرده است و مدارس دولتی مجبورند به شکل‌های مختلف از مردم مبلغی به‌عنوان کمک به مدرسه دریافت نمایند. درحالی‌که بر اساس اصل سوم قانون اساسی دولت موظف است همه امکانات خود را برای تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه در تمام سطوح، به کار گیرد، دولت به تمام معنا مدارس را به حال خود رها کرده است و اگر در مناطق برخوردار مدارس می‌توانند از اولیای دانش‌آموزان مبالغ هنگفتی دریافت کنند ولی در مناطق دورافتاده و محروم مدارس عملا قادر به تأمین نیازهای اولیه خود نیستند. در چنین وضعیتی باید گفت آموزش‌وپرورش ما دچار یک ساختار طبقاتی شده که دولت و وزارتخانه مربوطه هیچ برنامه مشخصی برای کاهش آن ندارند. حتی اجرای برنامه‌های مثل فساد (شبکه اجتماعی دانش‌آموزان) نیز در شرایط موجود بدون توجه به موقعیت مالی اولیای دانش‌آموزان بر شدت این اختلاف طبقاتی افزوده است».
حزب اتحاد ملت اضافه کرد: «در شرایط موجود آموزش و پرورش راه برای رشد معلم به‌عنوان یک عنصر متفکر، منتقد و حرفه‌ای بسته شده است و شرایط امنیتی حاکم بر آموزش و پرورش که پیش از آن با اعمال انواع گرنش‌های عقیدتی و سیاسی آغاز می‌شود، راه هرگونه رویکرد انتقادی را سر کرده است.

شرق: در ادامه آسیب‌شناسی جریان اصلاحات که از هفته گذشته در روزنامه «شرق» آغاز شد و در اولین گفت‌وگو محمدرضا تاجیک، تحلیلگر و تورویسین جناح اصلاح‌طلب، از جریان «پسااصلاح‌طلبی» سخن گفت، محورهایی برای گفت‌وگو با دکتر علیرضا علوی‌نبار، از دیگر تئوری‌پردازان اصلاح‌طلب، ارسال شد که ایشان ترجیح دادند پاسخ به سوالات «شرق» را در قالب مقاله‌ای بنویسند؛ این‌م مقاله هم‌زمان در وب‌سایت مشق‌نو نیز منتشر می‌شود.

این روزها، وضعیت اصلاح‌طلبان و آینده احتمالی آنها، موضوع گفت‌وگوها و مجادله‌های بسیاری است. پرسش‌کنندگان و پاسخ‌دهندگان کم‌وبیش باور دارند که اصلاح‌طلبان نتوانسته‌اند به اهداف اعلام‌شده خویش دست یابند و هرکدام به‌گونه‌ای می‌کوشند تا علت این‌ ناکامی را دریافته و توضیح دهند. ریشه‌یابی ناکامی از آن نظر مهم است که مبنایی برای پیشنهاد نوسازی و بازسازی می‌شود. اگر در ریشه‌یابی موفق باشیم، در ارائه راه‌حل مؤثر نیز کامیاب خواهیم بود. در غیر این صورت، پیشنهادها راه به جایی نخواهد برد و بیشتر به خیال‌پردازی نزدیک می‌شوند تا پیشنهادهایی کاربردی. در اینجا تلاش می‌شود با آسیب‌شناسی وضع موجود اصلاح‌طلبان، زمینه برای گفت‌وگوی انتقادی دراین‌باره فراهم شود؛ اما قبل از شروع، توجه به دو نکته لازم به نظر می‌رسد؛ اول اینکه باید تفکیک میان «اصلاح‌طلبی» و «اصلاح‌طلبان» را پذیرفت. هر اتفاقی که برای اصلاح‌طلبان (نیروهایی سیاسی فعال برای ایجاد اصلاحات مردم‌سالارانه در ایران) بیفتد، اصلاح‌طلبی به‌عنوان یک خواسته ملی برای دگرگونی کام به کام و مسالمت‌جویانه، تداوم خواهد یافت و در هر مقطعی نمایندگان و سخنگویان خود را خواهد یافت. دوم اینکه بحث از ناکامی اصلاح‌طلبان، نباید با فراموشی آثار مثبت تلاش و اقدام آنها در کشور یکسان فرض شود. جنبش اصلاحات ثمرات نیکویی داشته است که برای پذیرفته‌شدن آن به‌عنوان یک مقطع روشن در تاریخ بلند ایران، کافی است. با توجه به این دو نکته، سراغ پرسش اصلی می‌رویم؛ چه علل و عواملی منجر به ناکامی اصلاح‌طلبان در تحقق اهداف اعلام‌شده آنها شده است؟

۱. ویژگی‌های نظام موضوع اصلاح: موضوع تلاش برای اصلاح «نظام جمهوری اسلامی ایران- واقعا موجود» است. اصلاح‌طلبان می‌خواستند تا «نظام سیاسی» ایران را که در واقعیت تحقق یافته است، در راستای مردم‌سالارانه‌ترشدن روزافزون اصلاح کنند. نظام سیاسی در ساده‌ترین تعریف «مجموعه همبسته‌ای است از نهادها، فرایندها و سازوکارها که کسب، توزیع، اعمال، گردش قدرت و نظارت بر آن را سامان داده و تنظیم می‌کنند»، نظام حقوق اساسی کشور و اندیشه‌های بنیادین سیاسی در شکل‌دهی به این نظام نقش دارند؛ اما تعیین‌کننده‌ترین عامل «میزان قدرت جریان‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی» حاضر در عرصه رقابت و مبارزه سیاسی است. اصلاح ... با موانع و تکنه‌هایی مواجه است که در واکاوی ناکامی اصلاح‌طلبان باید مرکز توجه قرار گیرد. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

(۱-۱) بنیان‌ها بر مبنای گفتمان خاصی شکل

گرفته و حقانیت و جهت‌گیری خود را از این گفتمان می‌گیرد. اینک با اطمینان می‌توان گفت که عناصری در این گفتمان وجود دارند که با یکدیگر غیر قابل جمع‌اند. برخلاف آنچه در گام نخست به ذهن می‌آید، این مربوط به اسلام و مردم‌سالاری نیست؛ بلکه به دو تفسیر و فهم از اسلام و جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی سازگار با آن بازمی‌گردد. هریک از رقبای سیاسی می‌کوشد تا به یک وجه از این چوه تمسک جسته و به اقدامات سیاسی خویش حقانیت بخشد. هر جریان نیز شواهدی مؤید برای خویش می‌یابد. به همین دلیل، گفت‌وگو برای اصلاح قانونی وضع موجود، اغلب به تگافوی ادله رسیده و به بن‌بست می‌انجامد. این نیز امکان رسیدن به اجماع نهادی را به حداقل می‌رساند، مانعی است برای اصلاح از درون. این مشکل فقط به وجه سیاسی قانون اساسی بازمی‌گردد و سایر وجوه آن نیز در این زمینه مشکل دارند. در فرصت دیگری این مشکل را بررسی می‌کنیم.

۱-۲) اندک‌سالاری تثبیت‌شده: در یک روند حداقل ۳۰ساله، نظام سیاسی ایران به صورت یک اندک‌سالاری درآمده است. شکل‌گیری این اندک‌سالاری با طراحی بوده و از طریق آزمون و خطا تحقق بیرونی پیدا کرده است. نهادها، فرایندها و سازوکارها به‌گونه‌ای طراحی و تثبیت شده‌اند که صورت انتخابی بسیاری از نهادها حفظ می‌شود؛ اما قدرت از محدوده خاصی بیرون نمی‌رود. هر تلاشی برای اصلاح با نهادهای تعریف‌شده و رسمیت‌یافته و سازوکارهای تقویت‌شده همسو مواجه خواهد شد که در مقابل هر نوع اصلاح دموکراتیک مقاومت می‌کند.

۱-۳) قدرتمندی همبسته سیاسی، اقتصادی و امنیتی. در سال‌های گذشته تشکلی در کشور شکل گرفته و قدرت یافته است که ضمن آنکه موضوع ایدئولوژیک و سیاسی مشخصی دارد و رقیب سایر گرایش‌ها محسوب می‌شود، با تکیه بر امکانات عمومی از منابع قدرتمند اقتصادی نیز برخوردار شده است... هم موضوع ایدئولوژیک این جریان و هم رانت قدرت و ثروتی که در اختیار دارد، با فرایند گذار به دموکراسی مغایر است...

۱-۴) فشارهای خارجی مخرب. نظام سیاسی ایران، تحت فشارهای خارجی تخریب‌کننده زیادی قرار دارد، فشارهایی که رو به افزایش و تشدید

سیاست

علیرضا علوی‌نبار مطرح کرد:

علل ناکامی اصلاح‌طلبان



علیرضا علوی‌نبار

سیدعلی اسماعیلی

تاجیک، شرق

هم هستند. حکومت‌های جاه‌طلب و رانتی جنوب خلیج فارس، حکومت اشغالگر اسرائیل و حکومت سلطه‌گر آمریکا مثلثی را برای فشار بر ایران و حکومت آن سامان داده‌اند و این فشار را از طریق تحریم، تهدید نظامی و عملیات خرابکارانه دنبال می‌کنند. تأثیر این فشارهای خارجی، تقویت نگاه‌ها و برخوردهای امنیتی از یک‌سو و وابستگی معیشتی مردم ... از سوی دیگر است. هر دو روند مانع گذار کم‌هزینه به مردم‌سالاری هستند...

۲) ضعف‌های جبهه اصلاح‌طلبان. دشواری‌بودن اصلاحات دموکراتیک در ایران به‌تنهایی نمی‌تواند دلیل ناکامی باشد. علت دیگر ناکامی را باید در ضعف‌های درونی این جبهه جست‌وجو کرد. به برخی از آنها اشاره می‌کنم.

۲-۱) ابهام در دیدگاه‌ها و مواضع. بخشی از افراد و گروه‌های مؤثر اصلاح‌طلب درون نظام سیاسی ایران شکل گرفته و رشد کرده‌اند... این در کشمکش مداوم میان دوگانه‌هایی مانند عقل‌مدرن/آموزه‌های سنتی، آزادی خلاقیت فرهنگی/تولید فرهنگی کنترل و هدایت‌شده، توجه به مقتضیات زمان و مکان/حفظ اصالت‌ها و پایندی به پیشینه‌ها، میهن‌دوستی/امت‌گرایی و... قرار دارند و بسیاری از آنها نتوانسته‌اند راهی برای خروج از این دوگانگی‌ها و نوسان‌ها ناشی از آن یابند. برخلاف آنچه تبلیغ می‌شود، این دوگانگی‌ها ناشی از دوگانگی دینی/دنیوی نیست، بلکه دوگانگی قرائن‌های مختلف از دین است. بسیاری از چهره‌های مؤثر اصلاح‌طلب هنوز در پذیرش نوزام مردم‌سالاری با خویش در جدال‌اند و به‌دنبال تعدیل خواهد شد که در مقابل و سازگارکردن آن با باورهای خویش هستند. ابهام فقط در جهت‌گیری‌ها و مواضع نیست، بلکه در تحلیل و ریشه‌یابی وضع موجود هم هست. برخی هنوز گمان می‌کنند با تغییر برخی از مسئولان و برخی از راهبردها و خط‌مشی‌ها می‌توان مشکلات را حل کرد؛ اما برخی نیز بدون اصلاح ساختارها امید ندارند که با تغییر افراد و خط‌مشی‌ها مشکلات دوباره بازتولید نشوند. ترکیبی از ابهام‌های ایدئولوژیک و ابهام در تحلیل وضع موجود منجر به ایجاد ابهام در راهبردهای سیاسی شده است. تلاش برای حضور در قدرت، تقویت فرایندها و نهادهای دموکراتیک بیرون از قدرت و ددها پیشنهاد دیگر حاصل همین ابهام‌ها هستند.

۲-۲) ضعف مدیریت. در برخی از تحلیل‌ها از ضعف رهبری در اصلاح‌طلبان سخن گفته می‌شود که به نظر دقیق نمی‌آید. اصلاح‌طلبان در زمینه «مدیریتی» ضعف دارند. مدیریت مجموعه‌ای از کارکردها را در بر می‌گیرد که رهبری فقط یکی از آنهاست. طراحی راهبرد و خط‌مشی مناسب، سازمان‌دهی، ایجاد انگیزش، مهار و نظارت بر رفتارهای جمعی همگی از وظایف مدیریتی هستند. انکار نمی‌توان کرد که فشارها مانعی عمده بر سر شکل‌گیری مدیریتی قدرتمند در میان اصلاح‌طلبان بوده و در موارد متعددی در انجام وظایف مدیریتی اختلال ایجاد می‌کند؛ اما فقدان انگیزه از یک سو و توان مدیریتی از سوی دیگر را نیز نباید نادیده گرفت. آنها که توانمند هستند و می‌توانند به‌خوبی مدیریت کنند، خسته از کشمکش‌های مداوم و فشارهای خردکننده، خود را کنار می‌کشند و آنها که جاه‌طلبی کافی دارند، اما لزوما پرتوان نیستند، همه‌جا داوطلب‌اند! مدیریت‌کردن یک مجموعه پرشمار و گسترده نیازمند مراکز مشخص سازمانی و مراکز تولید اندیشه است. اصلاح‌طلبان هیچ‌گاه در این‌ زمینه‌ها سرمایه‌گذاری نکرده‌اند....

۲-۳) سازماندهی جبهه‌ای نامتوازن و نامنسجم. این مشکل البته از تبعات ضعف مدیریت است؛ اما آن‌قدر مهم است که باید آن را مستقل بررسی کرد. اصلاح‌طلبان از آغاز خود را به‌عنوان یک جبهه معرفی می‌کردند یعنی مجموعه‌ای از احزاب و تشک‌ل‌ها و افراد که در مورد یک راهبرد سیاسی مشخص و پیروی از یک مرکزیت تعریف‌شده، گرد هم آمده‌اند. اما در نبود یک مجموعه از راهبردها و خط‌مشی‌ها (ناشی از ابهام در دیدگاه‌ها و مواضع) باری بیش از حد توان بر دوش افرادی قرار می‌گرفت که در این جبهه مسئولیت می‌پذیرفتند. اجزای

نهادهای تشکیلاتی خوب تعریف نشده بودند و حقانیت آنها همیشه مورد پرسش بود. اگر شورایی تصمیمی می‌گرفت که با نظر برخی از افراد ناسازگار بود، اولین واکنش زیرسؤال‌بردن حقانیت شورای تصمیم‌گیرنده بود! تقسیم کار، تفویض اختیار و مسئولیت، تعریف و فرایند‌های انجام امور، تعریف سلسله‌مراتب و سازوکارهای هماهنگی، هیچ‌کدام به‌دقت صورت نگرفته بود، از این رو انسجام تشکیلاتی در حداقل قرار داشت. به علاوه وزن احزاب در تصمیم‌گیری‌ها مشخص نشده بود.

مخلف‌های کوچکی که نه تولید اندیشه داشته‌اند و نه قادر به سازماندهی و آموزش نیروها بوده‌اند، با گرفتن مجوز از وزارت کشور به همان حق رأیی دست می‌یابند که احزاب کم و بیش سراسری، علاوه بر نادرست‌بودن، این روش پیامد بدتری نیز داشت. افرادی که خواهان موقعیت تأثیرگذار در تصمیم‌گیری بودند، شتوبق می‌شدند که با ایجاد حزب و تشکل (صوری) در فرایندهای تصمیم‌گیری نقش ایفا کنند. این‌گونه ما با مجموعه‌ای از تشکل‌های ریز و درشت و همگی با توانی کمتر از متوسط مواجه می‌شویم که فقط روی کاغذ و هنگام تعیین نامزدهای انتخاباتی در عرصه‌های مختلف حضور می‌یابند! احزابی که آن‌قدر شیفته و تشنه خدمت هستند که از شرکت در هیچ انتخاباتی صرف‌نظر نمی‌کنند، حتی اگر مطمئن باشند که رأیی ندارند و بدر از آن نامزدی هم برای معرفی ندارند!

۴-۲) ضعف‌های اخلاقی و شخصیتی. عرصه سیاست‌ورزی و کسب‌وکار اقتصادی در کشور ما به شدت آلوده است. تنها انسان‌های خودساخته و برخوردار از شخصیت بسیار قوی می‌توانند در برابر وسوسه مداوم برای گسردآوری رانتی ثروت و کسب ارادت‌سالارانه قدرت، مقاومت کنند. آلوده‌شدن افرادی (هرچند محدود) از جبهه اصلاحات را نمی‌توان انکار کرد. آلوده‌شدگان در مقابل فشارهای بیرونی آسیب‌پذیرند و به‌راحتی امتیاز می‌دهند. از این رو همیشه می‌توان از آنها به عنوان نفوذی و ستون پنجم بهره گرفت... وجود افرادی که از موقعیت‌های خویش سوءاستفاده آلوده‌شدن افرادی (هرچند محدود) از جبهه اصلاحات را نمی‌توان انکار کرد. آلوده‌شدگان در مقابل فشارهای بیرونی آسیب‌پذیرند و به‌راحتی امتیاز می‌دهند. از این رو همیشه می‌توان از آنها به عنوان نفوذی و ستون پنجم بهره گرفت... وجود افرادی که از موقعیت‌های خویش سوءاستفاده می‌کنند و سیاست را در خدمت ثروت می‌آورند، حتی اگر اندک هم باشند، می‌تواند به اعتبار یک جریان سیاسی لطمه بزند و پشتوانه مردمی آن را تضعیف کند. تلاش مداوم برای مطرح‌شدن و خودنمایی، همراه با ترس از دست‌دادن موقعیت، می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد. ترس و طمع دو دشمن قدیمی انسان هستند که انسان‌های فاقد سوادسازی را به تباه‌کردن خود و همراهان‌شان می‌کشاند.

همه علل ناکامی را نمی‌توان در وضعیت نظام سیاسی و ضعف‌های اصلاح‌طلبان خلاصه کرد. شرایط عمومی جامعه و وضعیت خاص کشور، شرایط عمومی جامعه و وضعیت خاص فردی که می‌بسترساز برخی از ناکامی‌هاست. ۳) اختلاف بین گفتمانی آزادیخواهی اجتماعی، طبقه متوسط در نتیجه سیاست‌های نادرست اقتصادی همراه با سیاست‌های نامناسب در ارتباطات خارجی، به شدت تضعیف شده و تحت فشار قرار گرفته است. ناکامی‌های مکرر در تلاش برای بهبود وضعیت و تحقیر همراه با هر ناکامی، آرزوهای سرکوب‌شده را به خشم و نفرت تبدیل کرده است. بی‌حوصلگی، افراط و تفریط، بی‌اعتمادی، فردگرایی خودخواهانه، منفی‌بافی مداوم و پرهیز از هر نوع اقدام جمعی نظم‌یافته از ویژگی‌های جامعه کنونی ماست. به‌ویژه تورم لجام‌گسیخته اعتمادبه‌نفس و پیش‌بینی‌پذیری را از محرومان جامعه گرفته است. زمینه این عوامل نوعی سیاست‌گریزی را پدید آورده‌اند. منظور این نیست که اعتراض و انتقاد نمی‌کنند، منظور بی‌میلی به مشارکت و ایفای نقش و «اقدام سیاسی جمعی» است. در چنین فضای اجتماعی‌ای چگونه می‌توان سیاست‌های اصلاحی را پیش برد؟ در فضایی که فحش بیشتر از هر صدایی شنیده می‌شود و سیاه و سفید دیند مقبول همگان است، اصلاح‌کردن گام به گام و با حوصله امور تا چه حد از پشتیبانی مردم برخوردار خواهد شد؟ بخش قابل ملاحظه‌ای از نسل جدید برای خود همه حقی قائل هستند ولی در پذیرش مسئولیت سخنگیر و بی‌علاقه‌اند. مخالفان نیز همگی بر این اشتغالند و گسیختگی می‌افزایند. تبدیل نقطه امید و روشنی نمی‌بینند، می‌کوشند تا هرگونه امید به اصلاح متکی بر داخل را نفی کنند، از فشار و تهدید و گاه حمله خارجی دفاع می‌کنند و فعالان مسالمت‌جوی داخلی را چون شیاطین فریبکار تصویر می‌کنند. ایجاد دوقطبی‌های کاذب و راه‌انداختن جنجال‌های حاشیه‌ای حواس‌ها را از مسائل اصلی پرت می‌کند و جز فرسودگی ذهنی و روانی حاصلی به بار نمی‌آورد. تخریب و تمسخر باورهای مردم جز اینکه آنها را به آغوش محافظه‌کاران و تندروان براند، فایده‌ای نخواهد داشت...

همان‌طور که می‌بینیم، علل و عوامل ناکامی اصلاح‌طلبان متنوع و گوناگون است. برای حل مشکلات در سطح ملی و چه در سطح اصلاح‌طلبان، هیچ راه‌حل دوشبای وجود ندارد، اما مشکل بدون راه‌حل هم نداریم. وضعیت آینده را میزان آگاهی، اراده و همبستگی ما تعیین خواهد کرد.

آینه

وضعیت ایران در عصر اطلاعات

● **روح‌اله اسلامی**: ... کرونا آزمونی برای دولت – کشورها بود تا بتوانند آنچه سیاست‌گذاری و هزینه کردند، مشاهده کنند. آیا این توانست به لحاظ سرپا نگه‌داشتن فعالیت‌های عمومی و ارائه خدمات در زمان قرنطینه موفق باشد؟... فلسفه حاکم بر تکنولوژی اطلاعات در ایران تحت‌تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی، پست‌مدرن و پدیدارشناسانه است. هر سه جریان که فعالیت زیادی در ترجمه و انتقال فرهنگ تکنولوژی و معانی عصر اطلاعات دارند، جریان‌هایی عقب‌مانده و حاشیه‌ای هستند که قدرت تفکر را از نخبگان ایران سلب کرده‌اند. به باور افکار پدیدارشناس تکنولوژی‌های مدرن جهان را به قصد سلطه، ریاضی و کمی می‌کنند، از منظر مارکسیست‌ها، تکنولوژی‌های سایر همان ابزارهای نوین امپریالیسم است و از منظر پامدرن‌ها در حال ورود به قدرت‌های ارتباطی و کنترلی و جامعه‌شبه‌سازی‌شده هستیم. این افکار ارتجاعی و بی‌معنا بر ذهنیت سیاست‌گذاران و اندیشمندان اثر گذاشته است و تبعات آن مقاومت و دی‌رفه‌می فرهنگ عصر اطلاعات را رقم زده است، درحالی‌که منطق تکنولوژی همان دانش جهانی و رویه سازگار علمی است که در همه دنیا مبنای سیاست‌گذاری است، در ایران فلسفه‌های وارونه به تخریب آینده کشور مشغول هستند. بازی‌های زبانی روشنفکرانه سطح شفاف روزگار را از میان برده است و تفنن جای اندیشه سیاسی را گرفته است.

آزادسازی قیمت ومعمای پراید ۹۰میلیونی

● **سروش خسروی**: ... قیمت خودرو در بازار خاکستری، تخت‌گاز به با افزایش است. صحبت از معامله ۹۰ تا ۱۰ میلیون تومانی پراید و خریدوفروش پژو ۲۰۶ تیپ ۵ با قیمت ۱۵۰ تا ۱۸۰ میلیون تومان است. به نظر می‌رسد نتیجه برخورد و پیویلیستی وزارت صنعت با مقوله قیمت‌گذاری در بازارهای مختلف حالا به روشنی در پیش چشم همگان قرار گرفته است. سیاست ثابت و البته شکست‌خورده این وزارتخانه در ۲ سال گذشته در اغلب بازارها اعمال قیمت‌گذاری دستوری و دستکاری در بازار بوده، سیاستی که در بازارهای مواد خام نظیر آهن و فولاد، به‌شدت رانت‌زا بوده و در بازار محصولات نهایی نظیر خودرو، ضربه سنگینی به سبد هزینه خانوارها و مصرف‌کنندگان خودرو وارد کرده است. دست‌کم از اول امسال به این‌سو اعمال سواد تنظیم بازار، هر دوشنبه، دور هم جمع شده‌اند تا قیمت دستوری فروش کارخانه‌ای خودرو را تصویب و ابلاغ کنند اما هربار به بهانه‌ای اعضا بر سر جدول قیمت نهایی به توافق نرسیده‌اند یا ابلاغ‌ش را از بیم حواشی آن، به سدنگاشی و کمیته‌ای دیگر پاس داده‌اند. این همان‌طور که تجربه ۵۰ سال گذشته نشان داده، این سیاست نه‌تنها به پایین‌ماندن قیمت خودرو در بازار کمکی نکرده، بلکه به‌عکس، به عاملی برای توزیع رانت، تولید فساد و البته غیرمنطقی‌ترشدن روند کشف قیمت در بازار خاکستری تبدیل شده است. در نتیجه به نظر می‌رسد تنها راه‌حل بررون‌فتن بازار و صنعت خودرو از وضع فعلی، آزادسازی قیمت با دست‌کم تعیین فرمولی منطبق بر واقعیت‌های موجود است تا از یک‌سو شرکت‌های خودروساز بیش از این زیر بار زیان انباشته کمر خم نکنند و اشتغال این صنعت به خطر نیفتد و از سوی دیگر قیمت‌ها در بازار خاکستری هم متعادل‌تر و از فاصله بین قیمت بازار و کارخانه کاسته شود، در نتیجه ۱۶ ماه رها نشان داده مداخله دولت و دستکاری بازار نمی‌تواند به کاهش فاصله قیمت کارخانه و بازار خودرو منجر شود.

اعتبار

حقوق ملت در قانون اساسی

● **سیدعلی اسماعیلی**: ...مهم‌ترین کارکرد قانون اساسی، قاعده‌مندسازی و محدودسازی اعمال قدرت و تنظیم روابط سه‌گانه: شهروند- حاکمیت، شهروند- شهروند و حاکمیت- حاکمیت است؛ قانون اساسی ميثاق ملی و عهدنامه دولت و ملت و عالی‌ترین سند حقوقی کشور و مرجع نهایی حل‌وفصل و منازعات ملی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مردادماه ۱۳۵۸ با حضور ۲۲ نماینده، که ۴۲ نفر آنان از مجتهدین بودند مورد بررسی و پس از ۶۷ جلسه، در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل، تصویب و در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۵۸، به تأیید اکثریت مردم ایران رسید. با تصویب قانون اساسی، منشوری ملی برای تمرین حکمرانی جدید، مورد توافق و مبنای عمل قرار گرفت و حقوق و تکالیف متقابل دولت و ملت بر رسمیت شناخته شد. این یادداشت درصدد توصیف، بازشناسی و بازگویی حقوق ملت در قانون اساسی است... همه ارکان حاکمیتی نظام جمهوری اسلامی ایران، حسب وظایفی که قانون اساسی برعهده آنان گذاشت، مجری و پاسدار حقوق ملتند و از سویی دیگر، اصول ۱۱۳ و ۱۲۱، مسئولیت اجرا و پاسداری از قانون اساسی را برعهده رئیس‌جمهور نهاده است و رئیس‌جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند‌قادر متعال سوگند یاد می‌کند که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشد و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه اادی مسوولیت‌هایی که برعهده گرفته به کار گیرد و خود را وقوف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازد و از هرگونه خودکامی‌گریزه‌ز و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، حمایت کند.